

غزل شماره ۲۷۶

باغبان گر پنج روزی صحبتِ گل بیدش
برجهای خارِ بهران صبرِ بلبل بیدش

ای دل اندر بندِ زلفش از پریشانی منال
مرغِ زیرک چون به دام افتد تحمل بیدش

زند عالم سوز را با مصلحت بینی چه کار
کار ملک است آن که تدبیر و تأمل بیدش

نکته بر تقوی و دانش در طریقت کافریست
را هر که صد، منردارد توکل بیدش

با چنین زلف و رُخشِ بادا نظر بازی حرام
هر که روی یاسمین و جَدِ سنبل بیدش

نازمازان نرکسِ مستانه اش بید کشید
این دلِ شوریده تا آن جَد و کاکل بیدش

ساقیادگر دَشِ ساغرِ تعلل تا به چند
دور چون با عاشقان افتد تسلسل بیدش

کیست حافظ تا تو شد باده بی آوازِ رود
عاشقِ مسکین چرا چن دین بجل بیدش

تفسیر فال

آنچه را که مصلحت است انجام بده، زیرا در زندگی و مسیر تحقق اهداف، تنها دانش و علم به تنهایی برای رسیدن به مقصود و برآوردن نیازها کافی نیست. ایمان قوی، که به عنوان یک نیروی محرکه درونی عمل می‌کند، و همچنین تحمل سختی‌ها و چالش‌های پیش‌رو نیز از ضروریات این مسیر محسوب می‌شوند. بنابراین، لازم است که از احساس غرور دست برداری و با تواضع بیشتری قدم برداری. تلاش مستمر و پیوسته از جمله کلیدهای موفقیت است؛ با کرم نفس خود را پرورش بده تا به مقصود نهایی خود دست یابی. به یاد داشته باش که صبر و استقامت در برابر مشکلات می‌تواند راهگشای تو باشد تا در نهایت به آنچه که آرزوش را داری، نائل شوی.

به کوشش : [پارسی‌دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)